

**تبیین سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای توسط ترکیب گونه‌های مختلف ابعاد
سرمایه‌ی فرهنگی؛ تحلیل فازی با رویکرد شبکه‌های عصبی مصنوعی
(ANNFIS)**

(مطالعه‌ی موردی شهروندان ۱۸ سال و بالاتر شهر تهران)

قربانعلی ابراهیمی^۱، هادی رازقی مله^۲، سیده‌صبحاح متولیان^۳

چکیده:

هدف اصلی پژوهش حاضر پاسخگویی به این سؤال اساسی است که سرمایه‌ی فرهنگی و ابعاد آن چه تأثیری بر سرمایه‌ی اجتماعی در سطح محلات شهر تهران دارد و آیا تفاوتی در میزان سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی در محلات شمال و جنوب شهری وجود دارد؟ برای پاسخگویی به سؤالات اساسی بالا، پرسشنامه‌ای فازی برای جمع‌آوری اطلاعات طراحی شد. روش تحقیق در این پژوهش، روش فازی با رویکرد شبکه‌های عصبی مصنوعی (ANNFIS^۴) است. جامعه‌ی آماری تحقیق، شامل افراد ۱۸ سال و بالاتر شهر تهران است و حجم نمونه نیز ۲۵۳۸ نفر را شامل می‌شود.

یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که متغیر سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته (۰/۵۳۳-) و متغیر سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته (۰/۲۶۰-) به ترتیب، بیشترین و کمترین تأثیر را بر متغیر وابسته‌ی مذکور دارند. باید اضافه نمود که از بین سه متغیر وارد شده به معادله‌ی رگرسیونی،

gh.ebrahimi@umz.ac.ir

razeghi.hadi@gmail.com

sabah.motevalian@gmail.com

4- Artificial Neural Network - Fuzzy Inference System

تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۱۷

۱- استادیار علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

۲- کارشناس ارشد علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

۳- کارشناس ارشد علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

تاریخ وصول: ۹۵/۴/۲۸

تنها متغیر سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده از معادله خارج شده است و سایر متغیرها در معادله باقی مانده است. لازم به ذکر است که تأثیر تمام متغیرهایی که در معادله باقی مانده‌اند بر متغیر وابسته‌ی سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای منفی است.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای، سرمایه‌ی فرهنگی، فضای همسایگی، شبکه‌های عصبی مصنوعی، ANNFS

مقدمه و بیان مسأله:

در گذشته‌ای نه چندان دور، محله‌های شهری در نظام روابط و تعاملات اجتماعی دارای جایگاه ویژه‌ای بودند. روابط چهره به چهره، روابط اجتماعی، برطرف کردن نیازهای همسایگان، همکاری و احساس تعلق از مهم‌ترین ویژگی‌های این محلات به شمار می‌رود، در صورتی که امروزه، از هم گسیختگی روابط اجتماعی در شهر، شهرنشینی، کاهش همکاری و تعاون، ضعف در حمایت‌های اجتماعی جامعه‌ی محله‌ای در برنامه‌ریزی‌های عمران شهری، رکود و ضعف در امنیت اجتماعی و رسیدگی به امور انتظامی و حفاظت و امنیت و خلاصه عدم مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی، در بسیاری از شهرهای ایران، بویژه در کلان‌شهرها، موجب اتلاف سرمایه‌های مادی و معنوی و تشدید مشکلات و نابهنجاری‌های شهری گردیده است (شماعی، ۱۳۸۳: ۱۱۸).

امروزه جامعه‌ی شهری با مسائلی از قبیل جرم و بزهکاری، بی‌نظمی، ساخت و سازهای غیر قانونی، وندالیسم، کارتن خوابی، ترافیک و شلوغی خیابان‌های شهری و ... روبرو است. با استناد به تحقیقات تجربی (صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹؛ ربانی خوراسگانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸؛ باستانی، ۱۳۸۷؛ دینی ترکانی، ۱۳۸۵؛ صدیق سروستانی، ۱۳۷۲)، علاوه بر موارد مذکور، سست شدن پیوندهای همسایگی و کاهش سرمایه‌ی اجتماعی در سطح محله را می‌توان در کنار سایر مسائل شهری بیان کرد. بسیاری از شهروندان از اینکه در محیط‌های همسایگی^۱ و یا حتی در

آپارتمانی زندگی می‌کنند که افراد و خانواده‌ها یکدیگر را نمی‌شناسند و در محیط زندگی خود رابطه‌ای با یکدیگر ندارند احساس خوبی دارند؛ در حالی که در گذشته اینچنین نبود؛ افراد ساکن در محلات شهری از حال هم با خبر و دارای روابط اجتماعی بوده، در جشن‌ها و مراسم مذهبی شرکت می‌کردند و کوتاه سخن آنکه، به فکر هم بودند. به دور از بحث ارزش‌گذاری و قضاوت در مورد خوب یا بد بودن هر کدام، می‌توان بیان کرد که زندگی شهری و سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای در حال تغییر و تحول است و تحولات سرمایه‌ی اجتماعی در سطح محله، در کلان‌شهری مانند تهران به راحتی قابل تشخیص است.

جامعه‌شناسان و متفکران اجتماعی همواره تفکر درباره‌ی شهر را در دستور کار خویش قرار داده‌اند و شهر و تغییرات روابط اجتماعی برایشان همواره عنصری مورد توجه بوده است. اولین متفکری که به تغییرات زندگی شهری توجه نمود، فردیناند تونیس^۱ (۱۸۵۵-۱۹۳۶) جامعه‌شناس آلمانی بوده است. وی جوامع را به دو نوع گمن شافت^۲ یا اجتماع و گزل شافت^۳ یا جامعه تقسیم می‌کند که هر کدام به ترتیب به دو نوع زندگی روستایی یا سنتی و زندگی شهری یا مدرن اشاره دارد. تونیس معتقد است که افراد در گمن شافت پیوندهای شدیدی با یکدیگر دارند اما در گزل شافت پیوندهای عمیق و شدیدی وجود ندارد.

پس از تونیس، متفکری که به پیوندهای اجتماعی و همبستگی اجتماعی توجه کرده است، امیل دورکیم^۴ فرانسوی (۱۸۵۸-۱۹۱۷) است. دورکیم دریافت که پیوندها و روابط اجتماعی در جوامع سنتی و مدرن متفاوت است از این‌رو، وی مانند تونیس به روش تقابلی به مطالعه‌ی همبستگی پرداخته و دو نوع همبستگی را در جامعه از هم متمایز کرد؛ همبستگی مکانیکی^۵ که مختص جوامع سنتی است و همبستگی ارگانیک^۶ که در جوامع

-
- 1- Tonnies
 - 2- Gemeinschaft
 - 3- Guzelschaft
 - 4- Durkheim
 - 5- Mechanical solidarity
 - 6- Organic solidarity

مدرن وجود دارد. به اعتقاد دورکیم، همبستگی مکانیکی، همبستگی ناشی از ارزش‌های واحد و مشترک است در حالی که همبستگی ارگانیک از این واقعیت نشأت می‌گیرد که اعضای جامعه برای رفع نیازهای خود و بهره‌گیری از خدمات یکدیگر، به هم وابسته‌اند. لوئیس ویرث^۱ (۱۸۹۷-۱۹۵۲) متفکر دیگری است که به مطالعه‌ی تغییر زندگی در شهر پرداخت. وی برای تحلیل خود در مورد شهرگرایی از سه شاخص کلیدی حجم جمعیت، تراکم جمعیت و ناهمگونی جمعیت استفاده کرده است. این نظریه‌پرداز معتقد است که هرچه میزان شاخص‌های مذکور بیشتر باشد، میزان شهرگرایی بیشتر است و زمانی که شهرگرایی بیشتر می‌شود، روابط سطحی‌تر و پیوندها ضعیف‌تر می‌شوند.

بری ولمن^۲ (۱۹۴۲) به وجود یا عدم وجود و یا تغییر شکل اجتماعات پرداخته است. در مورد اجتماعات سه نظر وجود دارد که عبارتند از: اجتماع حفظ شده^۳، اجتماع از بین رفته^۴ و اجتماع آزاد شده^۵. منظور از اجتماع حفظ شده این است که اجتماع همچون گذشته وجود دارد و ویژگی‌های آن تغییری نکرده است. اجتماع از بین رفته به این معناست که دیگر اجتماع و روابط و پیوندهای عمیقی وجود ندارد و آنچه وجود دارد، روابط قراردادی است اما اجتماع آزاد شده نشان‌دهنده‌ی تغییر مشخصات اجتماع است (ولمن، ۱۹۷۹: ۱۲۰۴-۱۲۰۶). برای مثال افراد به وسیله‌ی شبکه‌های مجازی می‌توانند اجتماع را به وجود بیاورند. تمایز میان اجتماع حفظ شده و آزاد شده این است که اجتماع حفظ شده دارای محدودیت‌های مکانی هستند درحالی که این امر در مورد اجتماع آزاد شده مطرح نیست.

همچنین مطالعات و شواهد^۶، دلیلی بر این مدعا هستند که نوع روابط و پیوندهای اجتماعی و اجتماعات در حال تغییر است؛ از این رو، دغدغه‌ی کاهش سرمایه‌ی اجتماعی

1- Wirth

2- Wellman

3- stored Community

4- destroyed community

5- free community

۶- صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹؛ ربانی خوراسگانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸؛

باستانی، ۱۳۸۷؛ دینی ترکانی، ۱۳۸۵؛ صدیق سروستانی، ۱۳۷۲

از جمله موضوعاتی است که به کرات در جامعه‌شناسی کلاسیک و معاصر به چشم می‌خورد.

مسأله‌ی اساسی تحقیق حاضر فرسایش و کاهش تدریجی سرمایه است که به نظر می‌رسد با شناخت میزان و نوع سرمایه‌ی اجتماعی، این پدیده قابل تقویت باشد. بنابراین دلیل اصلی طرح بحث سرمایه‌ی اجتماعی و سنجش آن در سطح محله، در واقع دغدغه‌هایی است که نسبت به کاهش نقش و تأثیر این عنصر بر کنش کنشگران اجتماعی وجود دارد. از آنجا که سرمایه‌ی اجتماعی نقش مهمی در توسعه‌ی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... ایفا می‌نماید و کارکردهای مثبتی که برای جامعه دارد، لازم است که درباره‌ی کمیت و کیفیت آن در مناطق مختلف جامعه، پژوهش‌های علمی و عملی صورت پذیرد تا بتوان با تکیه بر نتایج و یافته‌های حاصله، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های لازم درباره‌ی توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی در سطوح تحلیل خرد و کلان (فرد و جامعه) را به نحو شایسته‌ای انجام داد. از این رو در این تحقیق تلاش بر این است تا ابتدا میزان سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی در سطح محله و در ادامه تأثیرات ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی بر سرمایه‌های اجتماعی در سطح محله بررسی گردد. سؤال اصلی تحقیق حاضر در پرتو روش تحقیق فازی با رویکرد شبکه‌های عصبی مصنوعی (ANNFIS)، این است که «وجود چه میزانی از ترکیب گونه‌های مختلف سرمایه‌های فرهنگی (سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته، سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته، سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده)، موجب ظهور نوع خاصی از سرمایه‌ی اجتماعی در محله می‌شود؟»؛ به عبارت دیگر مسأله‌ی اساسی این تحقیق، نوسان و تغییرپذیری سرمایه‌ی اجتماعی در سطح محله (میدان اجتماعی در سطح محله) تا چه اندازه متأثر از میدان‌های فرهنگی است؟

چهارچوب نظری:

نظریه‌ی میدان‌های پی‌یر بوردیو:

پی‌یر بوردیو برای تحلیل فضای اجتماعی از نظریه‌ی میدان استفاده می‌کند اما همان‌گونه

که کورت لوین با بهره‌گیری از نظریه‌ی نسبیت انیشتین کوشید تا به لحاظ هستی‌شناسی نشان دهد که نمی‌توان از میدانی جهان‌شمول برای ارزیابی و داوری رفتار بهره گرفت، بورديو نیز می‌کوشد تا نشان دهد که با یک دستگاه جهانی نمی‌توان به تبیین همه‌ی امور پرداخت. بورديو با بهره‌گیری از نسبیت انیشتین و آمیختن آن با نظریه‌ی میدان‌ها کوشید تا نسبیت و رابطه‌گرایی را شاه‌کلید تحلیل اجتماعی خویش قرار دهد. وی با رد تمامی نظریات ذات‌گرا یا نظریه‌هایی که ساختار یا عامل را بر دیگری مقدم می‌دارند، می‌کوشد تا بر اولویت روابط تأکید نماید (بورديو، ۲۰۰۲: ۱۵). اینگونه است که از منظر او واقعیت اجتماعی، شبکه‌ای از روابط است (بورديو، ۱۳۸۹: ۲۹). او معتقد است جامعه از حوزه یا میدان‌های متعددی مانند میدان هنری، ورزشی، ادبی، مذهبی، علمی و غیره تشکیل شده است و در هر حوزه کنشگران (افراد یا نهادها) بر اساس موقعیت‌هایی که به میزان متفاوتی از انواع سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین و ...) دسترسی دارند، در حال کنشگری هستند. کنشگران بر اساس شرایط موجود در میدان و شرایط ذهنی خودشان، که در نتیجه‌ی حضور طولانی‌مدت در میدان ایجاد شده است؛ به بازتولید یا تغییر روابط بین موقعیت‌های میدان مشغولند (بورديو، ۱۹۹۳: ۶۴). بورديو در تعریف میدان می‌نویسد:

«یک میدان شبیه یک شبکه یا منظومه‌ای از روابط عینی بین موقعیت‌هاست. این موقعیت‌ها به دلیل وجودشان و به دلیل محدودیت‌هایی که به ساکنانشان وارد می‌کنند، به صورت عینی قابل تعریف هستند. این موقعیت‌ها در ساختار توزیع قدرت (سرمایه) به منافع خاصی دسترسی دارند که در میدان و بر اساس کشمکش شکل گرفته است» (بورديو، ۱۹۹۲: ۹۷). میدان در نظریه‌ی بورديو پهنه‌ی اجتماعی کم و بیش محدودی است که در آن تعداد زیادی از بازیگران یا کنشگران اجتماعی با منش‌های تعریف شده و توانایی‌های سرمایه‌ای، وارد عمل می‌شوند و به رقابت، همگرایی یا مبارزه با یکدیگر می‌پردازند تا بتوانند به حداکثر امتیازات دست یابند. جامعه در واقع از تعداد بی‌شماری میدان تشکیل شده است: میدان دانشگاهی، هنری، صنعت و تجارت، حکومت، رسانه‌ها

و ... (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۴۵).

چنانکه از تعریف یالا نیز بر می‌آید، بوردیو عالم را به منزله‌ی جهان میدانی تصور می‌کند که در درون آن ذرات در میدان‌های مختلف تحت تأثیر نیروهای میدان قرار دارند. در چنین رویکردی، ذرات بنا بر ویژگی‌های خود و نیز میدان، از خود عکس‌العمل نشان می‌دهند؛ به عنوان مثال در تحلیل رمان تربیت احساسات اثر گوستاو فلوربر، میدان قدرت را به مثابه‌ی میدان مغناطیسی می‌داند که عکس‌العمل شش قهرمان رمان را با توجه به منش‌ها و موقعیت‌هایشان تعیین می‌کند (بوردیو، ۱۳۷۵: ۸۱). با این حال، این بدان معنا نیست که بوردیو به دنبال فیزیکی کردن علوم اجتماعی و انسانی بود یا می‌کوشید همچون کانت فیزیک اجتماعی نوینی را بنیاد نهد بلکه چنانکه واکوانت^۱ نیز بیان می‌دارد، در برنامه‌ی پژوهشی مدنظر بوردیو، چهار اصل اساسی وجود دارد که عبارتند از:

۱- برداشت ضد دوگانه گرایانه از کنش و ساختار اجتماعی؛

۲- معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تلفیقی؛

۳- اهمیت منازعه در حیات اجتماعی؛

۴- توجیه کنش با توجه به مفاهیم شناسایی و شناسایی نادرست (واکوانت، ۱۳۷۹:

۳۳۰).

در نظریه‌ی بوردیو، هر میدان دارای اصول، عرفیات و آداب متمایز و خاص خود است برای مثال، آداب رفتاری میدان ورزشی متفاوت با میدان علم است؛ زیرا عملی که ممکن است در میدانی پسندیده باشد، در میدانی دیگر تقبیح می‌شود. برای نمونه سودجویی که منطبق عملکرد میدان اقتصادی است، در میدان دین نفی می‌گردد. ساختار قوانین و منطق درونی هر میدان در فرآیندی تاریخی شکل گرفته و تحول می‌یابد. هر میدان، فضای ساختمان‌داری از جایگاه‌هاست و کسانی که وارد آن می‌شوند، انتظار عملکردهای خاصی را دارند که ممکن است متفاوت از میدان‌های دیگر باشد (طلوعی، ۱۳۸۶: ۴۶). از افرادی که در درون میدان هستند انتظار می‌رود که خود را با شرایط میدان تطبیق دهند، البته

^۱ - Wacquant

پیش از آنکه این تطبیق آگاهانه باشد، بیشتر در ساختمان ذهنی افراد نهادینه گردیده است. به این ترتیب رفتار فرد در تطابق با قاعده‌ها، مقررات و اشکال خاص قدرت هر میدان شکل می‌گیرد و مطابق منطق خاص بازی هر میدان عمل می‌کند (مریدی، ۱۳۹۱: ۳۶).

بورديو، میدان را عرصه‌ای اجتماعی محسوب می‌کند که در چارچوب آن کشاکش و مانورها برای کسب منابع خاص یا دسترس به آن‌ها صورت می‌گیرد. این کشاکش به تغییر به حفظ روابط موقعیت‌ها منجر می‌شود. میدان نوعی بازار رقابتی است که در آن انواع گوناگون سرمایه به کار گرفته می‌شوند یا سرمایه‌گذاری می‌شوند. براساس نظریه‌ی بورديو افراد به دلیل برخورداری از انواع مختلف سرمایه، نظیر سرمایه‌ی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، به مصرف فرهنگی، مادی و فعالیت‌های فراغت اقدام می‌کنند. از نظر او حجم و انواع سرمایه‌ها، طبقه را تشکیل می‌دهد و منش افراد درون هر طبقه را به یکدیگر وصل می‌کند و بر مبنای این منش مشترک، سبک‌های زندگی شکل می‌گیرد. هر قدر سرمایه‌ی فرد بیشتر باشد، در فضای اجتماعی در موقعیت بالاتری قرار می‌گیرد. بورديو استدلال می‌کند مردمی که در یک فضای اجتماعی قرار دارند، دارای مشابهت‌های زیادی هستند و حتی اگر هرگز یکدیگر را ندیده باشند، اینها دارای ذائقه‌های مشابه و سبک زندگی مشابه هستند (عیوضی، ۱۳۸۸: ۱۴۹). اگر مارکس اساس نظام قشربندی خویش را بر اقتصاد و مالکیت وسایل تولید یا به طور خلاصه بر ثروت قرار داده بود، وبر نیز به دو عامل دیگر یعنی قدرت و شأن اجتماعی (منزلت) اشاره کرد، بورديو در تکمیل نظریات مارکس و وبر علاوه بر این عوامل، عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را نیز اضافه کرده است. بورديو معتقد است در جامعه و حوزه‌های مختلف آن (مثل عرصه‌ی هنر، ورزش یا سیاست) جایگاه افراد و گروه‌ها براساس میزان سرمایه‌هایی که آنها در دست دارند مشخص می‌شود.

بورديو در پژوهش‌های تجربی خود به طور کلی این بحث را مطرح می‌کند که سرمایه به دو صورت به فضای اجتماعی نظم می‌بخشد؛ اساسی‌ترین مورد همان است که آن را

«حجم سرمایه» می‌نامد که موقعیت‌های برخوردار از انواع و اقسام سرمایه و کنش‌های مرتبط با آنها را از موقعیت‌هایی جدا می‌کند که سرمایه‌ی چندانی، در هر شکل آن، در اختیار ندارند. مسلماً این تقابل بین «بالا» و «پایین» برای اکثر اعضای جامعه چنان واضح است که حفظ فاصله‌ی اجتماعی ملازم آن نیازمند صرف انرژی چندانی نیست. صرف انرژی زیاد، بیشتر برای حفظ مورد دوم موضوعیت دارد که بوردیو آن را «ترکیب سرمایه» می‌نامد. ترکیب سرمایه‌ی عاملی است که موقعیت‌هایی را که از یک جنبه، مثلاً در سرمایه‌ی فرهنگی، بسیار والا هستند، از موقعیت‌هایی که در بعدی دیگر مثلاً در بعد سرمایه‌ی اقتصادی غنی هستند، جدا می‌کند (سیدمن، ۱۳۹۲: ۳۲۱).

بوردیو اولین کسی بود که یک تحلیل نظام‌مند از سرمایه‌ی اجتماعی را ارائه کرد. او به عنوان یکی از نظریه‌پردازان سرمایه‌ی اجتماعی در مبحث خود درباره‌ی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی یادآور می‌شود که جایگاه و مسیر فرد، گروه یا نهاد در فضای اجتماعی، وابسته به میزان برخورداری از سرمایه‌ی اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی و نمادین و تغییرات در حجم و ترکیب این ۴ نوع سرمایه در طول زمان است (استونز، ۱۳۸۵: ۳۳۵). در نظر او سرمایه‌ی اجتماعی وابسته به سرمایه‌ی اقتصادی است و سودمندی آن در افزایش سرمایه‌ی اقتصادی است. بوردیو بر قابلیت تبدیل انواع مختلف سرمایه تأکید داشته و سرمایه‌ی اقتصادی را ریشه‌ی انواع دیگر سرمایه می‌داند؛ بنابراین افراد و گروه‌ها پیوسته در تلاشند تا به وسیله‌ی راهبردهای باز تبدیل، یک نوع از سرمایه را به نوع دیگر تبدیل کنند و از این طریق جایگاه خود را در فضای اجتماعی حفظ کرده یا بهبود بخشند (استونز، ۱۳۸۵: ۳۴۰)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بوردیو برای بسط مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی ابتدا با مارکس آغاز می‌کند و در ادامه با ویر همراه می‌شود. بوردیو عقیده داشت که اساس و پایه‌ی انواع سرمایه را سرمایه‌ی اقتصادی تشکیل می‌دهد (بوردیو، ۱۹۸۶ به نقل از فیلد ۱۳۸۸). از دیدگاه وی انواع سرمایه‌ها دارایی‌هایی هستند که نشان دهنده‌ی تولید کار انباشت شده‌اند. وی بر نقش انواع سرمایه در بازتولید روابط نابرابر قدرت، تأکید دارد (شارع‌پور، ۱۳۸۵).

بورديو معتقد است فضای اجتماعی یک فضای چند بعدی است و در هر فضا ارزش‌های متفاوتی غالب هستند. وی بیان می‌کند که عاملان در دو حالت فضای اجتماعی خود را شکل می‌دهند، در حالت اول، عاملان بر حسب حجم کلی سرمایه‌ای که در اختیار دارند، فضایی را تجربه می‌کنند و در حالت دوم، عاملان با ترکیب سرمایه‌های مختلفی که در اختیار دارند، فضای اجتماعی خود را شکل می‌دهند. بنابراین عاملان می‌توانند با انباشت، حجم و ترکیب سرمایه‌های مختلفی که در اختیار دارند، فضای اجتماعی خود را شکل دهند. به طور مثال حقوق دانان و نویسندگان موفق می‌کوشند موقعیت‌هایشان را به استانداردهای بهتر زندگی و فرصت‌هایی برای فرزندانشان تبدیل کنند؛ برای انجام این کار، باید سرمایه‌ی موجود در عرصه‌ای را که در آن مشغول تلاش و کوشش هستند، به شکل‌های دیگری از سرمایه تبدیل کنند. ممکن است خانواده‌ها علاوه بر سرمایه‌ی مادی (سرمایه‌ی اقتصادی)، از طریق نحوه‌ی تربیت فرزندان و برنامه‌ریزی برای ازدواج آنان شبکه‌هایی از روابط (سرمایه‌ی اجتماعی) و اعتبار (سرمایه‌ی فرهنگی) برای خود ایجاد کنند (جلایی پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۳۲۰).

تحلیل بورديو درباره‌ی اشکال گوناگون سرمایه و روند پویایی تغییر شکل آنها در عرصه‌های مختلف، یکی از بدیع‌ترین و مهم‌ترین ویژگی‌های نظریه‌ی اوست. به دو معنا می‌توان گفت سرمایه از شکلی به شکل دیگر تبدیل می‌شود: یکی در معنای بازتولید بین نسلی سرمایه: افراد ثروتمند می‌کوشند فرزندانشان را به مدارس خوب بفرستند و دیگری تغییر شکل سرمایه که بی‌واسطه‌تر و فوری‌تر است: فردی که به یک مدرسه و دانشکده معتبر می‌رود و با افراد روابط اجتماعی مختلفی برقرار می‌کند، در آینده می‌کوشد با به دست آوردن شغلی پر درآمد، این سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی را به سرمایه‌ی اقتصادی تبدیل کند (سیدمن، ۱۳۹۲: ۳۲۰-۳۲۱)، بنابراین اشکال گوناگون سرمایه قابل تبدیل به هم هستند. به عنوان مثالی دیگر، سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند فرد را وارد روابطی سازد که حاصل آن کسب میزانی از سود به شکل پول یا انواع مالکیت باشد. به همان ترتیب، تحصیلات به سرمایه‌ی اقتصادی قابل تبدیل است و گاه ممکن است به سرمایه‌ی

اجتماعی نیز تبدیل گردد؛ به این ترتیب که تحصیلات و داشتن مدارک عالی، مشاغل پر درآمدی را در اختیار فرد قرار می‌دهد که با قرار گرفتن در آن موقعیت‌ها می‌تواند نه تنها به پول بلکه به قدرت نیز دست یابد و از نمادهایی هم برای مشروعیت بخشیدن به خود استفاده کند (ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۵۱). بنابراین با در اختیار داشتن هر یک از سرمایه‌هایی که بوردیو مطرح می‌نماید می‌توان به سایر سرمایه‌ها نیز دست یافت؛ می‌توان از طریق سرمایه‌ی اجتماعی به سرمایه‌ی اقتصادی رسید و برعکس.

فرضیه‌های تحقیق:

رویکرد فازی امکان تبیین علیت ترکیبی چندگانه را فراهم می‌آورد. برای تبیین تغییرات در نظم اجتماعی، عمدتاً ترکیبی از علل موجد تغییرات است و یک استدلال علی ترکیبی دغدغه‌ی اشتراک مجموعه شرایط را دارد؛ به عبارت دیگر این اشتراک مجموعه‌ای از شرایط در زمان و مکان - و نه تأثیرات مجزا و مستقل شرایط - است که تغییرات کلان کیفی ایجاد می‌کند. با استفاده از رویکرد فازی امکان شناسایی فراهم آمدن شرایط مختلف و اینکه با چه میزان از ترکیب‌های مختلف عوامل، انواع مختلف یک پدیده حادث می‌شود - یعنی تمایزپذیری انواع بر اساس میزان‌های ترکیب - قابل حصول است. همچنین حرکت در انواع مختلف یک پدیده و تبدیل یک نوع به نوعی دیگر بر اساس میزان‌های تغییر، قابل شناسایی است.

فرضیه‌های این تحقیق که بر گرفته از چهارچوب نظری تحقیق (نظریه‌ی میدان‌های بوردیو) است، در پرتو روش تحقیق فازی با رویکرد شبکه‌های عصبی مصنوعی (ANNFIS) در مقام داوری در باب صدق یا کذب فرضیه‌ای متفاوت با روش‌های غیر فازی است. فرضیه‌ها در منطق فازی بر روی ساخت گونه‌های ایده‌آل، متمرکز می‌شوند.

فرضیه‌های فازی با رویکرد شبکه‌های عصبی مصنوعی (ANNFIS):

- برخورداری حداکثری فرد از سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته، چنانچه با سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده حداقلی و سرمایه‌ی عینیت یافته حداقلی وی همراه باشد، سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای تقویت شده‌ی رو به پایین به وجود خواهد آمد.

^۱(۱،۰،۰)

- برخورداری حداکثری فرد از سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته، چنانچه با سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده حداقلی و سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته‌ی حداقلی وی همراه باشد، سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای تضعیف شده‌ی رو به پایین به وجود خواهد آمد.

(۰،۰،۱)

- برخورداری حداکثری فرد از سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده، چنانچه با سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته‌ی حداقلی و سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته‌ی حداقلی وی همراه باشد، سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای تقویت شده‌ی رو به بالا به وجود خواهد

آمد. (۰،۱،۰)

- برخورداری حداکثری فرد از سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته، چنانچه با سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته‌ی حداکثری و سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده‌ی حداقلی وی همراه باشد، سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای تضعیف شده‌ی رو به بالا به وجود خواهد

آمد. (۱،۰،۱)

- برخورداری حداکثری فرد از سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته، چنانچه با سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده‌ی حداکثری و سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته‌ی حداقلی وی همراه باشد، سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای تضعیف شده به وجود خواهد آمد. (۰،۱،۱)

- برخورداری حداکثری فرد از سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده، چنانچه با سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته‌ی حداکثری و سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته‌ی حداقلی وی همراه باشد، سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای تقویت شده به وجود خواهد آمد. (۱،۱،۰)

- برخورداری حداکثری فرد از سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده، چنانچه با سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته‌ی حداکثری و سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته‌ی حداکثری وی همراه باشد، سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای تضعیف شده شدید به وجود خواهد آمد.

^۱- اعداد از سمت چپ به ترتیب نشان‌دهنده‌ی میزان حداقلی و حداکثری سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته، سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده و سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته است.

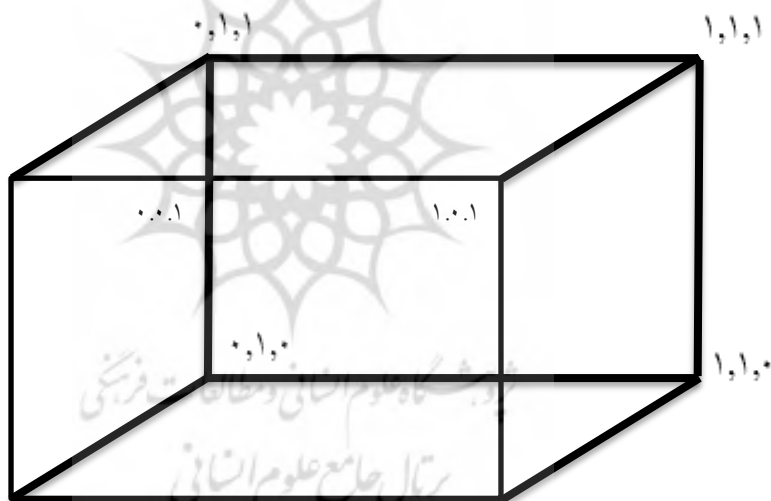
(۱،۱،۱)

- برخورداری حداقلی فرد از سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده، چنانچه با سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته‌ی حداقلی و سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته‌ی حداقلی وی همراه باشد، سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای تقویت شده شدید به وجود خواهد آمد.

(۰،۰،۰)

مدل تحلیلی تحقیق:

مدل شماره‌ی ۱: مدل تحلیلی وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی در سطح محله در یک تابع سه وجهی (سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته، سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته، سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده)



روش تحقیق:

روش تحقیق در این پژوهش، روش فازی با رویکرد شبکه‌های عصبی مصنوعی (ANNFIS) است. در روش فازی با رویکرد شبکه‌های عصبی مصنوعی (ANNFIS)، می‌توان متغیرهای مستقل را با یکدیگر ترکیب نمود تا اشکال متفاوت متغیر وابسته را مشخص نمود. رویکرد فازی این امکان را فراهم می‌کند که از یک سو با استفاده از

پرچین‌های زبانی (نظیر کم، متوسط، زیاد) عوامل به لحاظ کیفی مقوله‌بندی شوند و از سوی دیگر با مدرج‌سازی فواصل بین این نقاط بتوان آنها را به عنوان یک مقیاس کمی در نظر گرفت؛ به عبارت دیگر با اتخاذ رویکرد فازی، امکان ترکیب دو رویکرد کمی و کیفی در تحلیل داده‌ها فراهم می‌گردد. (ANFISS) به کمک مجموعه‌ای از داده‌های ورودی و خروجی، یک سیستم استنتاج فازی (FIS^۱) ایجاد می‌کند. پارامترهای توابع عضویت این سیستم، از طریق الگوریتم پس از انتشار یا ترکیب آن با روش حداقل مربعات تنظیم می‌شوند. این عملیات تنظیم، به سیستم‌های فازی اجازه می‌دهد تا ساختار خود را از مجموعه‌ی داده‌ها فرا گیرد. برای تغییر نداشت بین ورودی و خروجی می‌توان از ساختاری شبیه به شبکه‌های عصبی استفاده نمود. در واقع می‌توان برای ورودی‌ها به توابع عضویت و پارامترهای آن و سپس نگاشت توابع عضویت خروجی به خروجی‌ها، از شبکه‌های عصبی استفاده کرد.

مفاهیم مورد استفاده در این تحقیق، به روش فازی عملیاتی می‌شوند؛ به گونه‌ای که مفاهیم را می‌توان از طریق تابع عضویت فازی، عملیاتی کرد. تابع عضویت فازی هم بر حسب مقولات کیفی و هم بر حسب تفاوت‌های کمی در میزان عضویت در بازه $[0,1]$ ^۲ عملیاتی می‌شود. هرچه نقاط گسست و ارزش‌های عددی فازی در بازه $[0,1]$ بیشتر باشد، دقت پژوهش نیز بیشتر می‌شود. عنصر کلیدی در تابع عضویت فازی درجه‌بندی میزان عضویت در یک مجموعه است. در روش‌شناسی فازی همه چیز به طور نسبی درجه‌بندی می‌شود و حقیقت چیزی بین ۰ و ۱ است. در این دستگاه معرفتی حقیقت سیاه و سفید به حقیقت خاکستری انتقال می‌یابد و همه چیز تابع اصل عدم قطعیت می‌شود. درجه‌ی عضویت اعضای یک مجموعه، ارزش‌هایی را در بازه $[0,1]$ اختیار می‌کند برای مثال ارزش یک (۱) بیانگر عضویت کامل و ارزش صفر (صفر) بیانگر عدم عضویت کامل است (ساعی، ۱۳۸۸: ۲۳).

جامعه‌ی آماری، حجم نمونه و شیوه‌ی نمونه‌گیری

مناطق ۲۲ گانه‌ی شهر تهران جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این برای تحلیل‌های خرد دامنه، ساکنان ۱۸ سال و بالاتر شهر تهران نیز جامعه‌ی آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند.

در تحقیق حاضر برای تعیین حجم نمونه از نرم‌افزار ^۱ pass استفاده شده است. ضریب اطمینانی که محقق برای نمونه‌گیری در نرم افزار مذکور وارد کرده است، ۰/۹۹۹ درصد به همراه ۰/۰۰۱ درصد ضریب خطا است. بنابراین بر اساس ۰/۹۹۹ درصد اطمینان و با حداقل انحراف استاندارد و خطای انحراف استاندارد، حجم نمونه ۲۴۰۰ نفر محاسبه شده است، اما بر حسب ضرورت و همچنین کاهش خطای نمونه‌گیری و حذف پرسشنامه‌های ناقص، حجم نمونه به ۲۵۶۰ مورد افزایش یافت که در نهایت با حذف پرسشنامه‌های ناقص، ۲۵۳۸ پرسشنامه برای تحلیل انتخاب شدند.

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای متناسب با حجم استفاده شده است؛ بدین صورت که در ابتدا پنج معیار؛ منطقه‌ی جغرافیایی شهری، محله، جمعیت، جنس و گروه‌های سنی پاسخگویان مد نظر قرار گرفته شدند. ابتدا شهر تهران به دو منطقه شمال و جنوب تقسیم شد. از آنجا که بر اساس اطلاعات موجود در مرکز آمار ایران حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، تراکم جمعیتی در دو منطقه‌ی فوق، تقریباً همگن است، به هر یک از مناطق فوق میزان مساوی از حجم نمونه اختصاص یافت یعنی به هر یک از مناطق فوق ۱۲۶۹ نفر پاسخگو اختصاص یافت. با توجه به میزان نسبتاً برابر تعداد زنان و مردان در هر منطقه، ۶۳۰ نفر از پاسخگویان را مردان و ۶۳۹ نفر را زنان تشکیل می‌دهند. در نهایت با توزیع سنی حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، تعداد نمونه‌های مورد بررسی به تفکیک گروه‌های سنی در هر منطقه به دست آمد. همچنین لازم به ذکر است که در نهایت با توجه به نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، شش منطقه‌ی شهری شهر تهران

(منطقه ۱، منطقه ۲، منطقه ۳، منطقه ۱۵، منطقه ۱۶، منطقه ۱۸) به عنوان نمونه انتخاب شده و در ادامه، در هر منطقه ۳ محله و در مجموع ۱۸ محله‌ی شهر تهران مورد مطالعه قرار گرفتند. در هر منطقه ۴۲۳ نمونه انتخاب شدند که به تناسب تراکم جمعیتی هر محله، به تناسب از بین محلات هر منطقه، نمونه‌گیری به عمل آمد.

تعاریف عملیاتی متغیرها^۱:

سرمایه‌ی اجتماعی:

محقق برای عملیاتی کردن مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، تنها به نظریات بوردیو محدود نشده است بلکه با بهره‌گیری از نظریات مختلف سرمایه‌ی اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی و همچنین با طرح برخی از سؤالات ابداعی به شاخص‌سازی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی مبادرت ورزیده است. فرایند شاخص‌سازی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: فرایند شاخص‌سازی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی

متغیر	ابعاد اصلی	ابعاد فرعی	گویه‌ها
سرمایه اجتماعی	شبکه روابط	رسمی	تا چه اندازه در گروه‌های ورزشی محله فعالیت می‌کنید؟ تا چه اندازه در بسیج محله فعالیت می‌کنید؟ تا چه اندازه در شورای محله فعالیت می‌کنید؟
		غیر رسمی	تا چه اندازه در مهمانی همسایگان خود شرکت می‌کنید؟ تا چه اندازه در تعاونی همسایگان خود فعالیت می‌کنید؟ تا چه اندازه در گروه‌های مذهبی (هیأت‌های مذهبی) محله فعالیت می‌کنید؟
	مشارکت	مذهبی	تا چه اندازه در جلسات قرآن محله شرکت می‌کنید؟ تا چه اندازه در نماز جماعت مسجد محله شرکت می‌کنید؟ تا چه اندازه در مراسم ادعیه‌ی کمیل، ندبه یا توسل، در محله یا در بین همسایه‌ها شرکت می‌کنید؟ تا چه اندازه برای مراسم شب‌های قدر در مسجد محله شرکت می‌کنید؟
		سیاسی	تا چه اندازه در جلسات شورایی محله شرکت می‌کنید؟ تا چه اندازه در جلسات سیاسی که در محله تشکیل می‌شود شرکت می‌کنید؟

^۱ با توجه به حجم بالای مقاله و همچنین نظر داوران و سردبیر مجله، در جداول شماره ۱ و ۲، تنها به تعداد اندکی از گویه‌ها جهت عملیاتی کردن مفاهیم اشاره شده است. لذا در جدول شماره ۳ به تعداد اصلی گویه‌ها اشاره شده است.

متغیر	ابعاد اصلی	ابعاد فرعی	گویه‌ها
اعتماد اجتماعی	اجتماعی	اجتماعی	تا چه اندازه در حفظ محیط زیست محله‌ی خود تلاش می‌کنید؟ تا چه اندازه در رفع مشکلات محله شرکت می‌نمایید؟ تا چه اندازه حاضرید در کارهای گروهی که در محله انجام می‌شود شرکت نمایید؟
			بین شخصی
	نهادی یا مدنی	تعمیم یافته	تا چه اندازه معتقدید آدم تا از کسی در محله بدی ندیده است باید به او اعتماد کند؟ اگر رهگذری در محله، از شما بخواهد تلفن همراه خود را برای ارسال پیامک و یا برقراری تماس به او بدهید، تا چه اندازه امکان دارد این کار را کنید؟
		نهادی یا مدنی	تا چه اندازه به شورای محله‌تان اعتماد دارید؟ تا چه اندازه به بسیج محله‌تان اعتماد دارید؟ تا چه اندازه به شهرداری ناحیه اعتماد دارید؟
		دگریاری‌ها	تا چه اندازه به مسائل و مشکلات همسایه‌های خود گوش می‌کنید؟ تا چه اندازه به همسایگان خود برای پیدا کردن کار کمک می‌کنید؟ تا چه حد در مواقع ضروری از همسایه‌ها وسیله قرض می‌کنید؟ تا چه اندازه قبل از سفر به همسایه‌تان اطلاع می‌دهید تا از خانه‌تان مراقبت کند؟
صمیمیت	---	شما تا چه اندازه همسایه‌هایتان را خودی می‌دانید؟ تا چه اندازه با همسایه‌هایتان احساس دوستی می‌کنید؟	

سرمایه‌ی فرهنگی:

در تعریف عملیاتی سرمایه‌ی فرهنگی از سه بعد سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته، سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته و سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده که در نظریه‌ی بوردیو مورد بررسی قرار گرفته است، استفاده شده که فرایند شاخص‌سازی آن در جدول شماره‌ی ۲ ارائه شده است.

جدول شماره‌ی ۲: فرایند شاخص سازی مفهوم سرمایه‌ی فرهنگی

متغیر	ابعاد اصلی	گویه‌ها
سرمایه فرهنگی	سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته	تا چه حد موسیقی گوش می‌کنید؟ تا چه حد به موسیقی علاقه‌مندید؟ تا چه حد در فعالیت‌های هنری شرکت می‌کنید؟ تا چه حد خطاطی و نقاشی می‌کنید؟ تا چه اندازه ورزش می‌کنید؟
	سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته	تا چه اندازه کتاب مطالعه می‌کنید؟ تا چه اندازه از مبلمان در منزل خود استفاده می‌کنید؟ تا چه اندازه از صنایع دستی در منزل خود استفاده می‌کنید؟ تا چه اندازه از تابلوهای نقاشی در منزل خود استفاده می‌کنید؟
	سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده	سطح تحصیلات (چند کلاس / سال تحصیل نموده‌اید) سطح تحصیلات پدر (چند کلاس / سال تحصیل نموده‌اند) سطح تحصیلات مادر (چند کلاس / سال تحصیل نموده‌اند) تا چه حد در کلاس‌هایی که مدرک یا گواهینامه صادر می‌کنند شرکت کرده‌اید؟ به غیر از آموزش رسمی مدرسه‌ای تا چه اندازه دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای (کامپیوتر، نقاشی، خطاطی، زبان خارجی، آرایشگری، نقشه‌کشی و ...) را گذرانده‌اید که برای آن مدرک یا گواهینامه صادر کرده‌اند؟

پایایی^۱ تحقیق:

در تحقیق حاضر برای سنجش پایایی ابزار تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ^۲ استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره‌ی ۳ ارائه شده است.

1- Reliability

2- Cronbach's Alpha Coefficient

جدول شماره‌ی ۳: ضرایب آلفای کرونباخ ابزار تحقیق

ضرب آلفای کرونباخ		تعداد گویه	ابعاد فرعی تر	ابعاد فرعی	ابعاد اصلی	متغیر	
۰/۹۷	۰/۹۴	۰/۹۳	۶	-	رسمی	شبکه‌ی روابط	
		۰/۹۲	۰/۸۸	۴	شرکت در فعالیت‌های جمعی		غیر رسمی
			۰/۹۱	۵	اندازه و ظرفیت شبکه‌ی همسایگان		
	۰/۹۱	۰/۹۲	۹	-	مذهبی	مشارکت	
		۰/۹۰	۴	-	سیاسی		
		۰/۸۹	۷	-	اجتماعی		
	۰/۹۳	۰/۸۷	۰/۸۶	۳	-	بین شخصی	اعتماد اجتماعی
			۰/۸۶	۲	-	تعمیم یافته	
		۰/۹۴	۰/۹۲	۳	سیاسی	نهادی یا مدنی	
			۰/۸۸	۲	آموزشی		
			۰/۹۳	۴	مذهبی		
	۰/۹۳	۳	اقتصادی				
	۰/۹۴	۱۶	-	-	کنش‌های یاریگرانه		
	۰/۹۰	۴	-	-	صمیمیت		
۰/۹۵	۰/۹۳	۰/۹۵	۹	-	مصرف کالاها	سرمایه‌ی فرهنگی	
		۰/۸۶	۲	-	کالاهای فرهنگی یافته	فرهنگی تجسم یافته	
	۰/۹۲	۰/۹۴	۱۸	-	مصرف کالاها	سرمایه‌ی فرهنگی	
		۰/۸۷	۲	-	کالاهای فرهنگی یافته	عینیت فرهنگی یافته	
	۰/۸۹	۰/۹۱	۲	-	مصرف کالاها	سرمایه‌ی فرهنگی	
		۰/۸۹	۲	-	کالاهای فرهنگی شده	نهادینه شده	

یافته‌های توصیفی:

- توزیع درصدی پاسخگویان شمال شهر بر حسب میزان برخورداری از سرمایه‌ی اجتماعی در سطح محله:

جدول شماره‌ی ۴: توزیع درصدی پاسخگویان شمال شهر بر حسب میزان برخورداری از سرمایه‌ی

اجتماعی در سطح محله

متغیر	ابعاد اصلی	ابعاد فرعی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	میانگین	انحراف استاندارد
سرمایه اجتماعی	شبکه روابط	رسمی	۲۵/۶	۳۴/۷	۲۱/۴	۱۰/۹	۷/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۳۹	۱/۱۸
		غیر رسمی	۳۵/۰	۴۱/۱	۱۰/۰	۹/۹	۴/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۵۶	۰/۹۴
		کل	۲۹/۰	۵۱/۷	۶/۰	۹/۶	۳/۷	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۵۳	۰/۸۸
	مشارکت	مذهبی	۳۹/۴	۲۶/۹	۱۷/۳	۱۱/۳	۵/۱	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۶۵	۱/۰۵
		سیاسی	۲۸/۵	۳۰/۷	۱۶/۵	۱۷/۳	۶/۸	۰/۲	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۶۹	۱/۱۴
		اجتماعی	۳۴/۶	۳۲/۷	۱۴/۸	۱۳/۹	۴/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۶۱	۱/۰۱
	کل	۴۰/۰	۴۷/۹	۹/۶	۲/۳	۰/۲	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۶۵	۰/۶۸	
	اعتماد اجتماعی	بین شخصی	۳۱/۸	۲۷/۳	۱۸/۲	۱۳/۹	۸/۳	۰/۵	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۶۳	۱/۱۸
		تعمیم یافته	۲۵/۶	۲۴/۲	۲۲/۱	۱۵/۴	۱۱/۳	۱/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۶۶	۱/۳۷
		نهادی یا مدنی	۴۱/۵	۵۰/۵	۶/۷	۱/۳	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۶۲	۰/۶۲
		کل	۴۰/۳	۵۴/۷	۴/۱	۰/۹	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۶۱	۰/۵۷
	کنش‌های پارिگرانه	---	---	۴۵/۱	۸/۳	۳/۵	۰/۹	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۶۰	۰/۷۲
---		---	۳۶/۹	۲۶/۶	۱۳/۹	۱۷/۶	۵/۱	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۵۲	۱/۰۸	
---		---	۳۲/۹	۵۵/۸	۱۱/۳	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۵۸	۰/۵۲	
کل			۳۲/۹	۵۵/۸	۱۱/۳	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۵۸	۰/۵۲		

یافته‌های بالا نشان می‌دهد، در عین حال که میانگین سرمایه‌ی اجتماعی پاسخگویان شمال شهر ۲.۵۸ از ۱۰ است، اما نسبت میانگین در میان ابعاد مختلف تشکیل‌دهنده‌ی این مهم برابر نیست بنابراین در حالی که بعد «مشارکت» بالاترین شدت پاسخ‌ها را به خود اختصاص

داده است، بعد «صمیمیت» کمترین شدت پاسخ‌ها را در میان پاسخگویان داراست.

- توزیع درصدی پاسخگویان جنوب شهر بر حسب میزان برخورداری از سرمایه‌ی اجتماعی در سطح محله:

جدول شماره‌ی ۵: توزیع درصدی پاسخگویان جنوب شهر بر حسب میزان برخورداری از سرمایه‌ی

اجتماعی در سطح محله

متغیر	ابعاد اصلی	ابعاد فرعی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	میانگین	انحراف استاندارد
سرمایه‌ی اجتماعی	شبکه‌ی روابط	رسمی	۰/۰	۰/۰	۰/۱	۱۴/۸	۱۳/۲	۱۶/۹	۱۸/۲	۱۵/۴	۱۴/۴	۷/۱	۶/۷۷	۱/۸۳
		غیر رسمی	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۳/۸	۱۱/۲	۲۵/۸	۲۷/۸	۲۰/۰	۹/۲	۲/۲	۶/۸۵	۱/۳۴
	کل													
	مشارکت	مذهبی	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱/۸	۹/۵	۲۶/۵	۳۲/۸	۲۰/۵	۷/۹	۱/۰	۶/۸۸	۱/۱۸
		سیاسی	۰/۰	۰/۲	۰/۳	۶/۵	۱۵/۶	۱۸/۴	۲۳/۳	۱۹/۲	۱۲/۹	۳/۵	۶/۸۴	۱/۵۷
		اجتماعی	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱/۳	۸/۸	۲۳/۳	۳۸/۶	۲۲/۱	۵/۶	۰/۳	۶/۸۹	۱/۰۷
	کل													
	اعتماد اجتماعی	بین شخصی	۰/۰	۰/۲	۰/۰	۶/۵	۱۴/۱	۲۱/۲	۲۰/۳	۱۹/۹	۱۳/۷	۴/۱	۶/۸۴	۱/۵۷
		تعمیم یافته	۰/۰	۰/۰	۰/۱	۷/۲	۱۴/۵	۲۰/۶	۲۲/۱	۱۹/۹	۱۰/۷	۴/۹	۶/۸۹	۱/۲۱
		نهادی یا مدنی	۰/۰	۰/۰	۰/۱	۰/۲	۴/۳	۲۲/۵	۵۰/۶	۲۰/۳	۲/۰	۰/۰	۶/۹۲	۰/۸۴
کل														
کنش‌های یاریگرانه	---													

صمیمیت	---													

کل														

یافته‌های بالا نشان می‌دهد، در عین حال که میانگین سرمایه‌ی اجتماعی پاسخگویان جنوب شهر ۶/۸۹ از ۱۰ است، اما نسبت میانگین در میان ابعاد مختلف تشکیل‌دهنده‌ی این مهم برابر نیست بنابراین در حالی که بعد «اعتماد اجتماعی» بالاترین شدت پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده است، بعد «شبکه‌ی روابط» کمترین شدت پاسخ‌ها را در میان پاسخگویان داراست.

- توزیع درصدی کل پاسخگویان بر حسب میزان برخورداری از سرمایه‌ی اجتماعی در سطح محله:

جدول شماره‌ی ۶: توزیع درصدی کل پاسخگویان بر حسب میزان برخورداری از سرمایه‌ی

اجتماعی در سطح محله

متغیر	ابعاد اصلی	ابعاد فرعی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	میانگین	انحراف استاندارد	
سرمایه اجتماعی	شبکه‌ی روابط	رسمی	۱۲/۸	۱۷/۳	۱۰/۸	۱۲/۸	۱۰/۳	۸/۴	۹/۱	۷/۷	۷/۲	۳/۵	۴/۵۸	۲/۶۷	
		غیر رسمی	۵/۰	۲۰/۶	۱۷/۵	۶/۸	۷/۶	۱۲/۹	۱۳/۸	۱۰/۰	۴/۶	۱/۱	۴/۷۱	۲/۴۳	
		کل	۳/۰	۲۵/۸	۱۴/۵	۶/۳	۷/۲	۱۳/۴	۱۵/۸	۸/۸	۴/۱	۱/۰	۴/۶۸	۲/۴۱	
	مشارکت	مذهبی	۵/۶	۱۹/۸	۱۳/۴	۹/۵	۷/۳	۱۳/۲	۱۶/۶	۱۰/۳	۳/۸	۰/۵	۴/۷۶	۲/۳۹	
		سیاسی	۸/۲	۱۴/۳	۱۵/۵	۱۱/۹	۹/۳	۱۱/۲	۹/۳	۱۱/۷	۹/۶	۶/۶	۱/۷	۴/۷۷	۲/۴۸
		اجتماعی	۶/۹	۱۶/۸	۱۶/۸	۸/۱	۶/۳	۱۱/۷	۱۹/۳	۱۱/۰	۲/۸	۰/۳	۴/۷۵	۲/۳۸	
	کل	۱/۱	۲۰/۰	۲۴/۰	۴/۹	۱/۱	۱۳/۴	۲۵/۳	۹/۸	۰/۴	۰/۰	۴/۷۸	۲/۲۴		
	اعتماد اجتماعی	بین شخصی	۹/۱	۱۶/۷	۱۳/۰	۱۰/۷	۱۰/۸	۱۰/۷	۱۰/۲	۹/۹	۶/۹	۲/۰	۴/۷۶	۲/۵۴	
		تعمیم یافته	۱۲/۸	۱۲/۱	۱۱/۱	۱۱/۳	۱۲/۹	۱۱/۰	۱۱/۱	۱۰/۰	۵/۳	۲/۴	۴/۷۵	۲/۵۵	
		نهادی یا مدنی	۰/۷	۲۰/۷	۲۴/۹	۳/۹	۲/۱	۱۱/۳	۲۵/۳	۱۰/۱	۱/۰	۰/۰	۴/۷۷	۲/۲۷	
	کل	۰/۴	۲۰/۱	۲۷/۴	۲/۱	۱/۳	۱۱/۱	۲۷/۵	۹/۵	۰/۶	۰/۰	۴/۷۷	۲/۲۵		
	کنش‌های یاریگرانه	---	---	۲۱/۱	۲۲/۵	۴/۱	۱/۵	۱۳/۹	۲۵/۸	۸/۹	۰/۴	۰/۰	۴/۷۴	۲/۲۵	
	صمیمیت	---	---	۸/۷	۱۸/۵	۱۳/۴	۹/۵	۹/۶	۹/۹	۱۲/۵	۱۰/۳	۶/۱	۴/۷۱	۲/۵۵	
	کل	---	---	۰/۰	۲۱/۴	۲۷/۸	۰/۷	۰/۱	۱۰/۸	۳۳/۶	۵/۵	۰/۱	۴/۷۴	۲/۲۲	

یافته‌های بالا نشان می‌دهد، در عین حال که میانگین سرمایه‌ی اجتماعی کل پاسخگویان ۴.۷۴ از ۱۰ است، اما نسبت میانگین در میان ابعاد مختلف تشکیل‌دهنده‌ی این مهم برابر نیست بنابراین در حالی که بعد «مشارکت» بالاترین شدت پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده است، بعد «شبکه‌ی روابط» کمترین شدت پاسخ‌ها را در میان پاسخگویان داراست.

- توزیع درصدی پاسخگویان شمال شهر بر حسب میزان برخورداری از سرمایه‌ی فرهنگی:

جدول شماره‌ی ۷: توزیع درصدی پاسخگویان شمال شهر بر حسب میزان برخورداری از سرمایه‌ی

فرهنگی

متغیر	ابعاد اصلی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	میانگین	انحراف استاندارد
سرمایه‌ی فرهنگی	سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۱	۴/۶	۲۹/۵	۴۴/۴	۱۸/۸	۲/۶	۰/۰	۶/۸۴	۰/۸۷
	سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۱	۲۱/۴	۶۷/۱	۱۱/۵	۰/۰	۰/۰	۶/۸۹	۰/۵۶
	سرمایه‌ی فرهنگی - نهادینه شده	۰/۰	۰/۰	۱/۳	۴/۳	۱۴/۰	۱۸/۶	۲۴/۶	۱۹/۹	۱۱/۶	۵/۸	۶/۹۵	۱/۵۸
کل		۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱/۱	۲۴/۳	۵۵/۹	۱۸/۲	۰/۵	۰/۰	۶/۹۲	۱/۶۹

یافته‌های بالا نشان می‌دهد، در عین حال که میانگین سرمایه‌ی فرهنگی پاسخگویان شمال شهر ۶.۹۲ از ۱۰ است، اما نسبت میانگین در میان ابعاد مختلف تشکیل دهنده‌ی این مهم برابر نیست بنابراین در حالی که بعد «سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده» بالاترین شدت پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده است، بعد «سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته» کمترین شدت پاسخ‌ها را در میان پاسخگویان داراست.

- توزیع درصدی پاسخگویان جنوب شهر بر حسب میزان برخورداری از سرمایه‌ی فرهنگی:

جدول شماره‌ی ۸: توزیع درصدی پاسخگویان جنوب شهر بر حسب میزان برخورداری از سرمایه‌ی

فرهنگی

متغیر	ابعاد اصلی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	میانگین	انحراف استاندارد
سرمایه‌ی فرهنگی	سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته	۴/۶	۴۱/۹	۴۴/۳	۸/۰	۱/۱	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۵۹	۰/۷۴
	سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته	۰/۸	۳۶/۲	۵۶/۱	۶/۹	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۶۹	۰/۶۰
	سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده	۲۰/۷	۲۹/۷	۲۴/۴	۱۴/۱	۱۰/۷	۰/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۶۵	۱/۲۷
کل		۰/۵	۴۱/۴	۵۰/۵	۷/۶	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲/۶۵	۰/۶۲

یافته‌های بالا نشان می‌دهد، در عین حال که میانگین سرمایه‌ی فرهنگی پاسخگویان جنوب شهر ۲.۶۵ از ۱۰ است، اما نسبت میانگین در میان ابعاد مختلف تشکیل دهنده‌ی این مهم برابر نیست بنابراین در حالی که بعد «سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته» بالاترین شدت پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده است، بعد «سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته» کمترین شدت پاسخ‌ها را در میان پاسخگویان داراست.

- توزیع درصدی کل پاسخگویان بر حسب میزان برخورداری از سرمایه‌ی

فرهنگی:

جدول شماره‌ی ۹: توزیع درصدی کل پاسخگویان بر حسب میزان برخورداری از سرمایه‌ی فرهنگی

متغیر	ابعاد اصلی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	میانگین	انحراف استاندارد
سرمایه‌ی فرهنگی	سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته	۲/۳	۲۱/۰	۲۲/۱	۴/۱	۲/۹	۱۴/۷	۲۲/۲	۹/۴	۱/۳	۰/۰	۴/۷۱	۲/۲۷
	سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته	۰/۴	۱۸/۱	۲۸/۱	۳/۵	۰/۰	۱۰/۷	۳۳/۵	۵/۸	۰/۰	۰/۰	۴/۷۹	۲/۱۸
	سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده	۱۰/۴	۱۴/۹	۱۲/۸	۹/۲	۱۲/۴	۹/۵	۱۲/۳	۹/۹	۵/۸	۲/۹	۴/۸۰	۲/۵۸
کل		۰/۲	۲۰/۸	۲۵/۲	۳/۸	۰/۶	۱۲/۲	۲۸/۰	۹/۱	۰/۲	۰/۰	۴/۷۸	۲/۲۳

یافته‌های بالا نشان می‌دهد، در عین حال که میانگین سرمایه‌ی فرهنگی کل پاسخگویان ۴.۷۸ از ۱۰ است، اما نسبت میانگین در میان ابعاد مختلف تشکیل‌دهنده‌ی این مهم برابر نیست بنابراین در حالی که بعد «سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده» بالاترین شدت پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده است، بعد «سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته» کمترین شدت پاسخ‌ها را در میان پاسخگویان داراست.

یافته‌های استنباطی:

تحلیل واریانس ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای در شمال و جنوب شهر تهران

جدول شماره‌ی ۱۰: تحلیل واریانس سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای در شمال و جنوب شهر تهران

متغیر	منطقه شهری	تعداد	میانگین	T	sig
سرمایه‌ی اجتماعی	شمال	۱۲۶۹	۲/۸۸	-۲۴۷/۰۹۱	۰/۰۰۰
	جنوب	۱۲۶۹	۶/۷۵		

جدول بالا نشان‌دهنده‌ی اختلاف میانگین سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای و همچنین ابعاد آن در شمال و جنوب شهر تهران است. با توجه به مقدار آزمون T (-۲۴۷/۰۹۱) می‌توان بیان کرد که میزان سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای در شمال و جنوب شهر تهران تفاوت دارد. همچنین با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) می‌توان گفت که تفاوت مشاهده شده در میانگین سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای، از نظر آماری معنادار است.

تحلیل واریانس ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی در شمال و جنوب شهر تهران

جدول شماره‌ی ۱۱: تحلیل واریانس ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی در شمال و جنوب شهر تهران

متغیر	منطقه شهری	تعداد	میانگین	T	sig
سرمایه‌ی فرهنگی	شمال	۱۲۶۹	۶/۷۷	۱۸۲/۲۶۵	۰/۰۰۰
	جنوب	۱۲۶۹	۲/۹۴		

جدول شماره‌ی ۱۱ نشان‌دهنده‌ی اختلاف میانگین سرمایه‌ی فرهنگی در شمال و جنوب شهر تهران است. با توجه به مقدار آزمون T (۱۸۲/۲۶۵) می‌توان گفت که میزان سرمایه‌ی فرهنگی در شمال و جنوب شهر تهران تفاوت دارد. همچنین با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) می‌توان گفت که تفاوت مشاهده شده در میانگین سرمایه‌ی فرهنگی،

از نظر آماری معنادار است.

تحلیل رگرسیونی خطی چند متغیره برای تبیین سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای

برای بررسی بهتر تأثیر ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی (سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته، سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته، سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده) بر سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای از رگرسیون خطی چند متغیره به شیوه گام به گام استفاده شده است که نتایج آن در جداول ۱۲ و ۱۳ آمده است.

جدول شماره‌ی ۱۲: مدل رگرسیونی برای تبیین سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای

سطح معناداری (Sig)	Anova (F)	ضریب تعیین تعدیل شده Adjusted R Square	ضریب تعیین (R Square)	ضریب همبستگی (R)	مدل
۰/۰۰۰	۴۹۸۶/۰۷۸	۰/۶۶۳	۰/۶۶۳	۰/۸۱۴	مدل شماره‌ی یک
۰/۰۰۰	۲۶۲۸/۶۹۳	۰/۶۷۴	۰/۶۷۵	۰/۸۲۱	مدل شماره‌ی دو

در مدل رگرسیونی گام به گام متغیرهای مستقل که برای تبیین سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای صورت گرفته، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در مدل شماره‌ی (۱) پس از ورود اولین متغیر یعنی سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته که وارد مدل شده، این متغیر به تنهایی توانسته ۶۶/۳ درصد از تغییرات سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای افراد را پیش‌بینی کند. مدل شماره‌ی (۲) نشان می‌دهد که پس از اضافه شدن متغیر سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته این مقدار به ۶۷/۵ درصد افزایش یافته است.

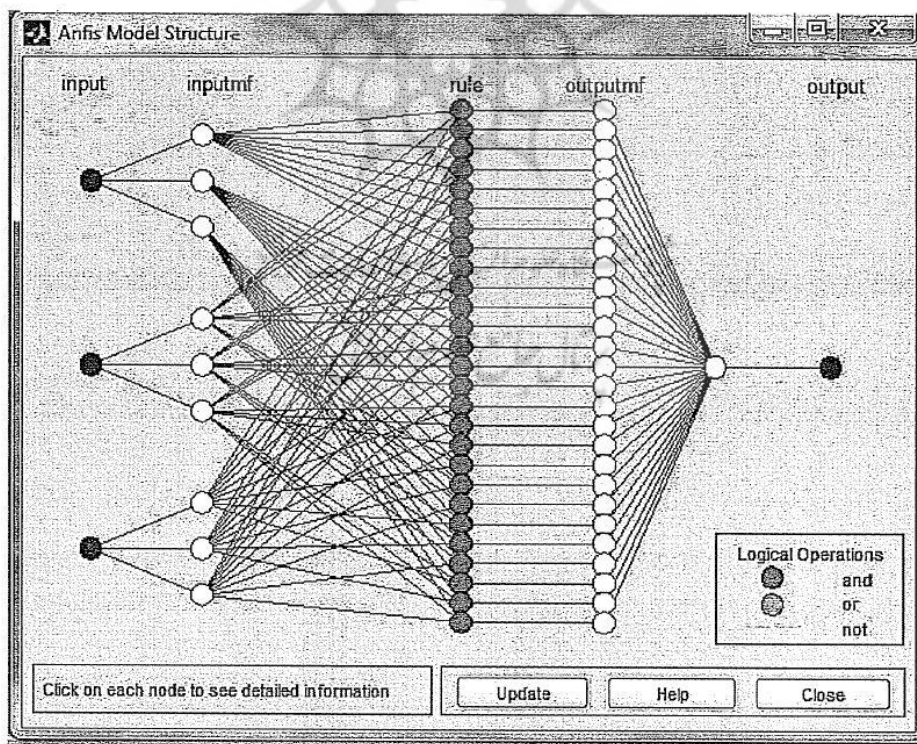
جدول شماره‌ی ۱۳: ضرایب تأثیر مدل نهایی متغیرهای مستقل برای سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای

سطح معناداری (Sig)	T-value	ضریب رگرسیونی استاندارد (Beta)	Std.error	ضریب- رگرسیونی غیر استاندارد (B)	متغیرها	مدل
۰/۰۰۰	۱۳۶/۰۳۸		۰/۰۷۱	۹/۵۹۳	مقدار ثابت	نهایی
۰/۰۰۰	-۱۷/۳۲۷	-۰/۵۳۳	۰/۰۳۶	-۰/۶۳۱	سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته	
۰/۰۰۰	-۸/۹۹۰	-۰/۲۶۰	۰/۰۳۳	-۰/۲۹۷	سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته	

جدول بالا نشان‌دهنده‌ی ضرایب تأثیر مدل نهایی متغیرهای مستقل تبیین‌کننده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای است. چنانکه در این مدل نشان داده شده است، متغیر سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته (۰/۵۳۳-) و متغیر سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته (۰/۲۶۰-) به ترتیب، بیشترین و کمترین تأثیر را بر متغیر وابسته مذکور دارند. باید اضافه نمود که از بین سه متغیر وارد شده به معادله‌ی رگرسیونی، تنها متغیر سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده از معادله خارج شده است و سایر متغیرها در معادله باقی مانده است. لازم به ذکر است که تأثیر تمام متغیرهایی که در معادله باقی مانده‌اند، بر متغیر وابسته‌ی سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای منفی است.

تحلیل فازی داده‌های تحقیق با رویکرد شبکه‌های عصبی مصنوعی

شکل شماره ۱: فضای کلی از معماری فازی با رویکرد شبکه‌های عصبی مصنوعی ابعاد سرمایه‌های فرهنگی (سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته، سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته، سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده)



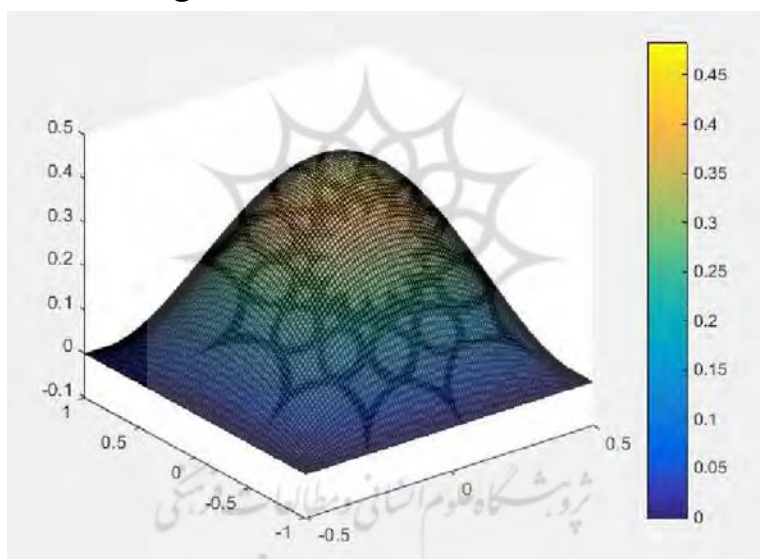
همانطور که در شکل بالا مشاهده می‌شود، از سمت چپ، لایه‌ی اول مقادیر اصلی ورودی (سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته، سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته و سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده) وارد فضای فازی می‌شوند. در لایه‌ی دوم، میزان و مقادیر ابعاد سرمایه‌های فرهنگی در سه فاز حداقلی، متوسط و حداکثری تعریف شده‌اند. در لایه‌ی سوم، قواعد و منطق ترکیب ورودی‌ها با یکدیگر شکل می‌گیرد. لایه‌ی چهارم، لایه‌ی مقادیر خروجی‌هایی است که از منطق فازی با رویکرد شبکه‌های عصبی استنتاج شده است. لایه‌ی پنجم، مقادیر فازی شده خروجی‌هایی است که از فضای فازی شده شبکه‌های عصبی خارج شده است. لایه‌ی آخر، خروجی قطعی و نهایی معماری و فضای شبکه است که عددی بین فاز ۰ تا ۱۰ است.

در سیستم استنتاج فازی-شبکه‌های عصبی مصنوعی، مقادیر سرمایه‌های فرهنگی تجسم یافته، سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته و سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده در قواعد فازی تعریف شده و در مدل قرار گرفتند. از آنجایی که نرم‌افزار متلب این امکان را فراهم می‌کند که در مدلی سه بعدی، تغییرات در ورودی و تغییر خروجی را مشاهده کرد، تلاش کرده‌ایم که با ترکیب میزان سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده قبل از ورود به منطق فازی، تغییرات دو متغیر سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته و سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته، به عنوان ورودی و متغیر سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای را به عنوان خروجی تست کنیم. دلیل ترکیب میزان سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده قبل از ورود به منطق فازی، این مهم است که میزان سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده در محلات شمال و جنوب شهر تهران نزدیک به هم بوده (اما یادآور می‌شویم که اختلاف میانگین با توجه به آماره‌ی T و F و همچنین سطح معناداری، از نظر آماری معنادار بوده است) و با تستی که محقق در مدل، با ورود هر سه متغیر انجام داده است، متوجه این مهم شده است که تغییرات اساسی مربوط به ورودی‌های سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته و سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته است. همچنین از آنجایی که در مدل سه بعدی، تنها دو متغیر می‌توانند آزاد باشند، برای جلوگیری از مطول شدن، از ارائه‌ی دو مدل برای هر فرضیه صرف نظر شده است و

صرفاً به ارائه‌ی مدلی که سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته و سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته ورودی‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهد، مبادرت ورزیده شده است. با این حال قبل از ورود مقادیر ورودی به منطق‌های فازی، میزان حداقلی و حداکثری سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده با دو ورودی سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته و سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته ترکیب شده است. با توجه به توضیحات بالا، در شکلی که در ادامه ارائه می‌شود، به بررسی تغییرات ورودی‌ها و خروجی می‌پردازیم.

شکل شماره ۲: خروجی سه بعدی مدل تجربی، مقادیر ورودی‌های فازی شده (ابعاد سرمایه‌ی

فرهنگی) به همراه خروجی سرمایه اجتماعی در سطح محله



همانطور که در شکل بالا مشاهده می‌شود، محور X متعلق به ورودی اول یعنی سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته و محور Y متعلق به سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته و سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده است. همچنین محور Z به خروجی (سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای) تعلق دارد. در مدل سه بعدی بالا، با تغییرات مقادیر ورودی‌ها در محورهای X و Y ، تغییرات پدید آمده در محور Z نمایش داده شد. تمامی گره‌هایی که در شبکه‌های عصبی مصنوعی وجود دارد، نشان‌دهنده‌ی برخورد ابعاد سرمایه‌های فرهنگی (سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته، سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته، سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده) و همچنین

میزان سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای است. برای شناسایی میزان دقیق سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای، می‌توان از هر یک از گره‌های شبکه‌ی عصبی مصنوعی، خط عمودی بر محور Z رسم کرد.

بحث و نتیجه‌گیری:

بر اساس نظریات بوردیو، سرمایه‌ی فرهنگی مجموعه‌ای از ثروت‌های نمادین است که از یک سو به معلومات کسب شده‌ای برمی‌گردد که به شکل رغبت‌های پایدار ارگانیزم، حالت درونی شده به خود می‌گیرند (در زمینه‌ی خاصی دانش دوست بودن، با فرهنگ بودن، به زبان و نحو بیان تسلط داشتن، جهان اجتماعی و رمزگان آن را شناختن و خود را در این جهان آشنا دیدن و ...)؛ از سوی دیگر، به صورت موفقیت‌های مادی، سرمایه به حالت عینیت یافته (تابلوها، کتاب‌ها و ...) جلوه می‌کند؛ در نهایت سرمایه‌ی فرهنگی می‌تواند به حالت نهادینه شده در جامعه به صورت عناوین و مدارک تحصیلی به استعدادهای فرد عینیت ببخشد. جامعه‌ای که چنین بازشناسی را اعلام می‌نماید، آن را نهادینه می‌کند و برایش جایگاه تعیین می‌نماید.

سرمایه‌ی فرهنگی بدون کوشش شخصی کسب نمی‌شود و به ارث برده نمی‌شود، بلکه از جانب عامل کار طولانی، مداوم و پیگیری و فرهنگ‌پذیری را می‌طلبد و با هدف جزئی از خود کردن، از آن خود کردن آن را به قالب خود کشیدن، به عنوان چیزی که وجود اجتماعی او را تحول می‌بخشد.

واضح و مبرهن است که در میدان مورد نظر بوردیو، افرادی که از سرمایه‌ی فرهنگی بالاتری برخوردار هستند می‌کوشند تا سرمایه‌ی فرهنگی خود را به کار گیرند و آن را با بهره‌گیری از فرآیندهای گوناگونی مانند مصرف، شبکه روابط و ... به رخ دیگران بکشند و با این کار خود را از دیگران متمایز سازند. بر اساس نتایج تحقیق حاضر، در ساکنان محلات شمال و جنوب شهر تهران نیز این پدیده مشاهده شده است. افرادی که دارای سرمایه‌ی فرهنگی بالاتری بوده‌اند نیز کوشیده‌اند تا با تبدیل این "داشتن" به "بودن"، خود را متمایز از دیگران سازند.

یافته‌های تحقیق حاضر نشان داده‌اند که میزان سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای شمال و جنوب شهر تهران دارای تفاوت بسیار زیادی از یکدیگر هستند. با توجه به فرسایش شدید سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای در شمال شهر تهران، بخش‌های دولتی از قبیل شهرداری‌های مناطق، شهرداری بخش‌ها و شورایی‌های محلات باید با برنامه‌ریزی و تهیه برنامه‌ای مدون در سطوح کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت به افزایش سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای ساکنان شمال شهر کمک کنند.

سرمایه‌ی اجتماعی در سطح محله کارکردهای گوناگونی دارند و بسیاری از نیازهای افراد را برطرف می‌کند به طور مثال، در شهرها و محله‌هایی که روابط همسایگی عمیق و گسترده‌ای دارند، چنین احساسی وجود دارد. گاه برخی از افراد در محلات فقیرنشین یا «جنوب شهر» احساس می‌کنند که محله‌شان «حال و هوای معنوی» دارد و در عمل نوعی رضایت و خرسندی از زندگی جمعی و محله‌ای دارند زیرا در موقعیت‌ها و مجالس شادی و سوگواری، یار و غمخوار هم هستند.

افزایش میزان سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه، دارای پیامدهای مثبتی از قبیل کاهش هزینه‌های دستیابی به اهداف مشترک، تسهیل تعاملات اجتماعی و کنش‌های جمعی، افزایش مشارکت‌های اجتماعی، افزایش میزان اعتماد اجتماعی، برقراری پیوندهای قوی و منسجم اجتماعی میان اعضای جامعه، افزایش میزان سلامت جسمی و روانی اعضای جامعه، افزایش کنترل اجتماعی و کاهش نسبی انحرافات اجتماعی و ... است. علاوه بر این بسیاری از مسائل و مشکلات شهری ریشه در کاهش کمیت و کیفیت سرمایه‌ی اجتماعی در سطح محلات شهری دارد. برای مثال تحقیقی در ایالات متحده امریکا نشان داده است که سرمایه‌ی اجتماعی با نرخ جرم‌های خشونت‌آمیزی مانند قتل و حملات شدید، همبستگی منفی دارد (لیندستروم^۱، ۲۰۰۳: ۱۱۱۱). بنابراین با توجه به مطالبی که ارائه شد، می‌توان به اهمیت وجود میزان بالایی از سرمایه‌ی اجتماعی در محلات شهری پی برد.

یکی از کلیدی‌ترین نهادهایی که می‌تواند در افزایش میزان سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای کمک فراوانی کند، سراهای محله هستند. در سراهای محله، به آموزش‌های حوزه‌های مختلف در سطح وسیعی می‌پردازند. این سراها با برنامه‌ریزی‌های دقیق می‌توانند به افزایش میزان سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای کمک کنند. با افزایش میزان سرمایه‌ی اجتماعی محله‌ای، بسیاری از مشکلاتی که در محلات شهری وجود دارند، میزانشان کاهش می‌یابد و در حالت بسیار خوشبینانه از بین می‌رود.

رسانه‌ی ملی با توجه به برد بسیار زیاد و همچنین مخاطبانی که دارد می‌تواند در این مهم تأثیرگذار باشد. البته شهرداری و برنامه‌ریزان اجتماعی باید برنامه‌ریزی‌های دقیقی انجام دهند چرا که در مواردی، رسانه‌ها برای افزایش و یا کاهش پدیده‌ای دست به اقدامات زده اما نتیجه‌ی آن کاملاً معکوس بوده است. کاملاً طبیعی است که برای عملیاتی کردن بسیاری از برنامه‌ها و حتی برای طرح‌ریزی برنامه‌ها و تعیین خط‌مشی‌ها باید به متخصصان امر رجوع کرد.

منابع:

- استونز، راب. (۱۳۸۵). **متفکران بزرگ جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی مهرداد میردامادی، چاپ پنجم، تهران: نشر مرکز.
- باستانی، سوسن. (۱۳۸۷). بررسی سرمایه‌ی اجتماعی شبکه در ۱۰ محله‌ی تهران: بررسی جایگاه روابط محلی در شبکه‌های اجتماعی، **مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران**، دوره‌ی دوم، شماره‌ی دوم، صص ۷۴-۵۵.
- بوردیو، پی. یر. (۱۳۷۵). **جامعه‌شناسی و ادبیات، آموزش عاطفی فلوبر**، ترجمه‌ی یوسف اباذری ارغنون، شماره‌ی ۹ و ۱۰، صص ۱۱۲-۷۷.
- بوردیو، پی. یر. (۱۳۸۹). **درباره‌ی تلویزیون و سلطه‌ی ژورنالیسم**، ترجمه‌ی ناصر فکوهی، تهران: آشیان.
- جلائی پور، حمید رضا؛ محمدی، جمال. (۱۳۸۷). **نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی**، تهران: نشرنی.
- دینی ترکمانی، علی. (۱۳۸۵). تبیین افول سرمایه‌ی اجتماعی، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی **رفاه اجتماعی**، سال ششم، شماره‌ی ۲۳، صص ۱۷۱-۱۴۷.
- ربانی خوراسگانی، علی؛ صدیق اورعی، غلامرضا؛ خنده رو، مهدی. (۱۳۸۹). بررسی سرمایه‌ی اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در سطح محله، **مجله‌ی علوم اجتماعی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد**، سال ششم، شماره‌ی دوم، صص ۱۴۹-۱۱۹.
- ساعی، علی. (۱۳۸۸). **درآمدی بر روش پژوهش اجتماعی: رویکرد تحلیل کمی در علوم اجتماعی (با نرم‌افزار SPSS)**، تهران: نشر آگاه.
- سیدمن، استیون. (۱۳۹۲). **کشاکش آرا در جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی هادی جلیلی، چاپ ششم، تهران: نشر نی.
- شارع پور محمود. (۱۳۸۵). **سنجش سرمایه‌ی اجتماعی در استان مازندران (مناطق شهری و روستایی)**، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران.
- شمعی، علی. (۱۳۸۳). **توسعه‌ی اجتماعات محله‌ای و تأثیر آن بر توانمندسازی نظام مدیریت شهری**، چکیده‌ی مقالات همایش توسعه محله‌ای، تهران: شهرداری تهران.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۷۲). **بررسی روابط همسایگی در شهر تهران**، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ نیمروزی، نوروز. (۱۳۸۹). **بررسی ارتباط بین مشارکت در**

- روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر مشهد، فصلنامه‌ی دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره‌ی دوم، صص ۲۲۰-۱۸۵.
- طلوعی، وحید. (۱۳۸۶). درآمدی بر جامعه‌شناسی تولید ادبی پی یر بوردیو، مجله‌ی اینترنتی خوانش.
- عیوضی، غلامرضا. (۱۳۸۸). سبک زندگی تلویزیونی و مصرف، فصلنامه‌ی فرهنگی-دفاعی زنان و خانواده، سال پنجم، شماره‌ی ۱۶، صص ۱۶۷-۱۴۳.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۴). پی یر بوردیو: پرسمان دانش و روشنفکری، مجله‌ی علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۱۶۱-۱۴۱.
- فیلد، جان. (۱۳۸۸). سرمایه‌ی اجتماعی، ترجمه‌ی غلامرضا غفاری و حسین رضایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات کویر.
- مریدی، محمدرضا. (۱۳۹۱). سازمان اجتماعی هنر در ایران، پایان‌نامه‌ی دوره دکترا، استاد راهنما: حسین ابوالحسن تنهایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۳). مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو، پژوهشنامه‌ی علوم انسانی، شماره‌ی ۴۲-۴۱، صص ۱۶۰-۱۴۹.
- واکوونت، لولیک. (۱۳۷۹). پیر بوردیو، در متفکران بزرگ جامعه‌شناس، ویراسته‌ی راب استونز، ترجمه‌ی مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- یوسفی، علی؛ نوغانی، محسن؛ حجازی، مهلا. (۱۳۸۸). انسجام در شبکه‌های همسایگی شهر مشهد، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی دهم، شماره‌ی ۱، صص ۱۳۸-۱۶۱.
- Bourdieu, p and Wacquant. L (1992) An Invitation to Reflexive Sociology, Cambridge: polity press.
- Bourdieu. P, (1993), Sociology in Question, Translated by Richard Nice, SAGE Publication.
- Bourdieu. P, Wacquant. L, (2002), an Invitation to Reflexive Sociology, Polity Press.
- Lindstrom. M, Merlo. J, Ostergren. P. O (2003) Social capital and sense of insecurity in the neighbourhood: a population-based multilevel analysis in Malmo, Sweden, Social Science & Medicine, 56, PP 1111-1120.
- Wellman. B. (1979), The Community Question: The Intimate Networks of East Yorkers, The American Journal of Sociology, Vol.84, No.5. PP.1201-1231.